

یسوع یقوم من بین الأموات

¹ ثُمَّ فِي أَوَّلِ الْأَسْبُوعِ، أَوَّلِ الْقَبْرِ، أَتَيْنَ إِلَى الْقَبْرِ حَامِلَاتِ الْحُوطِ الَّذِي أَعَدَّتهُ وَمَعَهُنَّ أَتَانَسٌ.² فَوَجَدْنَ الْحَجَرَ مَذْخَرًا عَنِ الْقَبْرِ. فَدَخَلْنَ وَلَمْ يَجِدْنَ جَسَدَ الرَّبِّ يَسُوعَ.⁴ وَفِيمَا هُنَّ مُخْتَارَاتٌ فِي ذَلِكَ إِذَا رَجُلَانِ وَقَفَا بِهِنَّ بِنِيَابٍ بَرَّاقَةٍ.⁵ وَإِذْ كُنَّ خَائِفَاتٍ وَمُنْكَسَاتٍ وَجُوهَهُنَّ إِلَى الْأَرْضِ قَالَا لَهُنَّ: لِمَاذَا تَطْلُبْنَ الْحَيَّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ؟ لَيْسَ هُوَ هَهُنَا، لَكِنَّهُ قَامَ. أَذْكَرْنَ كَيْفَ كَلَّمَكُنَّ وَهُوَ بَعْدُ فِي الْجَلِيلِ؟⁷ قَالَا: إِنَّهُ يَتَّبِعُنِي أَنْ يُسَلِّمَ ابْنُ الْإِنْسَانِ فِي أَيُّدِي أَتَانَسٍ خُطَاةٍ وَيُصَلِّبَ وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ.⁸ فَتَذْكَرْنَ كَلَامَهُ،⁹ وَرَجَعْنَ مِنَ الْقَبْرِ وَأَخْبَرْنَ الْأَخَذَ عَشَرَ وَجَمِيعَ الْبَاقِيْنَ بِهَذَا كُلِّهِ.¹⁰ وَكَانَتْ مَرِيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ وَتُوبَا وَمَرِّمُ، أُمَّ يَعْقُوبَ، وَالبَقِيَّاتُ مَعَهُنَّ، اللَّوَاتِي قُلْنَ هَذَا لِلرَّسُلِ.¹¹ فَتَرَايَ كَلَامَهُنَّ لَهُنَّ كَالْهَذْيَانِ وَلَمْ يُصَدِّقُوهُنَّ.¹² فَقَامَ پَطْرُسُ وَرَكَضَ إِلَى الْقَبْرِ فَانْحَنَى وَنَظَرَ الْأَكْفَانَ مَوْضُوعَةً وَخَذَهَا فَمَضَى مُتَعَجِّبًا فِي نَفْسِهِ مِمَّا كَانَ.

یسوع یظهر علی طریق عمواس

¹³ وَإِذَا اثْنَانِ مِنْهُمَا كَانَا مُنْطَلِقَيْنِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَى قَرْيَةٍ بَعِيدَةٍ عَنْ أُورُشَلِيمَ سِتِّينَ عِلْوَةً، اسْمُهَا عِمَّوَّاسٌ.¹⁴ وَكَانَا يَتَكَلَّمَانِ بَعْضُهُمَا مَعَ بَعْضٍ عَنْ جَمِيعِ هَذِهِ الْخَوَارِثِ.¹⁵ وَفِيمَا هُمَا يَتَكَلَّمَانِ وَيَتَخَاوَرَانِ اقْتَرَبَ إِلَيْهِمَا يَسُوعُ نَفْسُهُ وَكَانَ يَمْشِي مَعَهُمَا.¹⁶ وَلَكِنْ أَمْسِكَتْ أَغْنِيَهُمَا عَنْ مَعْرِفَتِهِ.¹⁷ فَقَالَ لَهُمَا: مَا هَذَا الْكَلَامُ الَّذِي تَتَطَارَحَانِ بِهِ وَأَنْتُمَا مَاشِيَانِ غَاسِيَيْنِ؟¹⁸ فَأَجَابَ أَحَدُهُمَا، الَّذِي اسْمُهُ كَلِيُوبَاسُ: هَلْ أَنْتَ مُتَعَرِّبٌ وَحَدَكٌ فِي أُورُشَلِيمَ وَلَمْ تَعْلَمْ الْأُمُورَ الَّتِي حَدَّثَتْ فِيهَا فِي هَذِهِ الْآيَامِ؟¹⁹ فَقَالَ لَهُمَا: وَمَا هِيَ؟ فَقَالَا: الْمُخْتَصَّةُ بِيَسُوعَ النَّاصِرِيِّ الَّذِي كَانَ إِنْسَانًا نَبِيًّا مُقْتَدِرًا فِي الْفِعْلِ وَالْقَوْلِ أَمَامَ اللَّهِ وَجَمِيعِ الشَّعْبِ،²⁰ كَيْفَ أَسْلَمَهُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَحُكَّامُنَا لِقَضَاءِ الصُّوْتِ وَصَلَبُوهُ.²¹ وَتَحْنُ كُنَّا نَرْجُو أَنَّهُ هُوَ الْمُرْمِيْعُ أَنْ يَغْدِي إِسْرَائِيلَ، وَلَكِنْ مَعَ هَذَا كُلِّهِ الْيَوْمَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ مُنْذُ حَدَّثَ ذَلِكَ.²² بَلْ بَعْضُ النِّسَاءِ مِنَّا خَبَرْتَنَا إِذْ كُنَّا بَاكِرًا عِنْدَ الْقَبْرِ،²³ وَلَمَّا لَمْ يَجِدْنَ جَسَدَهُ أَتَيْنَ قَائِلَاتٍ، إِنَّهُنَّ رَأَيْنَ مَنْظَرَ مَلَائِكَةٍ، قَالُوا إِنَّهُ حَيٌّ.²⁴ وَمَضَى قَوْمٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَنَا إِلَى الْقَبْرِ فَوَجَدُوا هَكَذَا كَمَا قَالَتْ أَيْضًا النِّسَاءُ، وَأَمَّا هُوَ فَلَمْ يَرَوْهُ.²⁵ فَقَالَ لَهُمَا: أَيُّهَا الْعَبْيَانِ وَالْبَطِيْنَا الْقُلُوبِ فِي الْإِيمَانِ بِجَمِيعِ مَا تَكَلَّمُ بِهِ

رستاخیز عیسی

¹ پس در روز اوّل هفته، هنگام سپیده صبح، حنوطی را که درست کرده بودند با خود برداشته، به سر قبر آمدند و بعضی دیگران همراه ایشان،² و سنگ را از سر قبر غلطانیده دیدند.³ چون داخل شدند، جسد خداوند عیسی را نیافتند.⁴ و واقع شد هنگامی که ایشان از این امر متحیر بودند که ناگاه دو مرد در لباس درخشنده نزد ایشان بایستادند.⁵ و چون ترسان شده، سرهای خود را به سوی زمین افکنده بودند، به ایشان گفتند: چرا زنده را از میان مردگان می‌طلبید؟⁶ در اینجا نیست، بلکه برخاسته است، به یاد آورید که چگونه وقتی که در جلیل بود شما را خبر داده،⁷ گفت: ضروری است که پسر انسان به دست مردم گناهکار تسلیم شده، مصلوب گردد و روز سوم برخیزد.⁸ پس سخنان او را به خاطر آوردند.⁹ و از سر قبر برگشته، آن یازده و دیگران را از همه این امور مطلع ساختند.¹⁰ و مریم مجدلیه و یونا و مریم مادر یعقوب و دیگر رفقای ایشان بودند که رسولان را از این چیزها مطلع ساختند.¹¹ لیکن سخنان زنان را هذیان پنداشته، باور نکردند.¹² اما پطرس برخاسته، دوان دوان به سوی قبر رفت و خم شده، کفن را تنها گذاشته دید. و از این ماجرا در عجب شده، به خانه خود رفت.

ظهور عیسی در راه عمواس

¹³ و اینک، در همان روز دو نفر از ایشان می‌رفتند به سوی قریه‌ای که از اورشلیم به مسافت شصت تیر پرتاب دور بود و عمواس نام داشت.¹⁴ و با یکدیگر از تمام این وقایع گفتگو می‌کردند.¹⁵ و چون ایشان در مکالمه و مباحثه می‌بودند، ناگاه خود عیسی نزدیک شده، با ایشان همراه شد.¹⁶ ولی چشمان ایشان بسته شد تا او را نشناسند.¹⁷ او به ایشان گفت: چه حرف‌هاست که با یکدیگر می‌زنید و راه را به کدورت می‌پیمایید؟¹⁸ یکی که کلیوپاس نام داشت در جواب وی گفت: مگر تو در اورشلیم غریب و تنها هستی و از آنچه در این ایام در اینجا واقع شد واقف نیستی؟¹⁹ به ایشان گفت: چه چیز است؟ گفتندش: درباره عیسی ناصری که مردی بود نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم،²⁰ و چگونه رؤسای کهنه و حکام ما او را به فتوای قتل سپردند و او را مصلوب

الْأَنْبِيَاءُ،²⁶ أَمَا كَانَ يَنْبَغِي أَنَّ الْمَسِيحَ يَتَأَلَّمُ بِهَذَا وَيَدْخُلُ إِلَى مَجْدِهِ؟²⁷ ثُمَّ ابْتَدَأَ مِنْ مُوسَى وَمِنْ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ يُفَسِّرُ لَهُمَا الْأُمُورَ الْمُخْتَصَّةَ بِهِ فِي جَمِيعِ الْكُتُبِ.²⁸ ثُمَّ أَفْتَرَبُوا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَا مُنْطَلِقَيْنِ إِلَيْهَا وَهُوَ تَظَاهَرُ كَأَنَّهُ مُنْطَلِقٌ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.²⁹ فَالْتَزَمَاهُ قَائِلَيْنِ: افْكُتْ مَعَنَا لِأَنَّهُ نَحْنُ الْمَسَاءِ وَقَدْ مَالَ التَّهَارُ. فَدَخَلَ لِيَمْكُتَ مَعَهُمَا.³⁰ فَلَمَّا انْكَأَ مَعَهُمَا أَحَدَ خُبْرًا وَتَبَارَكَ وَكَسَّرَ وَتَنَاوَلَهُمَا.³¹ فَانْفَتَحَتْ أَعْيُنُهُمَا وَعَرَفَاهُ ثُمَّ اخْتَفَى عَنْهُمَا.³² فَقَالَ بَعْضُهُمَا لِبَعْضٍ: أَلَمْ يَكُنْ قُلَيْنَا مُلْتَهَبًا فِينَا إِذْ كَانَ يُكَلِّمُنَا فِي الطَّرِيقِ، وَبُوضِحَ لَنَا الْكُتُبُ؟³³ فَقَامَا فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَرَجَعَا إِلَى أُورُشَلِيمَ وَوَجَدَا الْأَحَدَ عَشَرَ مُجْتَمِعِينَ هُمْ وَالَّذِينَ مَعَهُمْ.³⁴ وَهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ الرَّبَّ قَامَ بِالْحَقِيقَةِ وَظَهَرَ لِسَمْعَانَ.³⁵ وَأَمَّا هُمَا فَكَانَا يُخْبِرَانِ بِمَا حَدَثَ فِي الطَّرِيقِ وَكَيْفَ عَرَفَاهُ عِنْدَ كَسْرِ الْخُبْزِ.

يسوع يظهر لللاميذ

³⁶ وَفِيمَا هُمْ يَتَكَلَّمُونَ بِهَذَا وَقَفَ يَسُوعُ نَفْسُهُ فِي وَسْطِهِمْ وَقَالَ لَهُمْ: سَلَامٌ لَكُمْ.³⁷ فَجَرَعُوا وَخَافُوا وَطَنُّوا أَنَّهُمْ تَطَرُّوا رُوحًا.³⁸ فَقَالَ لَهُمْ: مَا بَالُكُمْ مُضْطَرِبِينَ؟ وَلِمَاذَا تَخْطَرُ أَفْكَارُ فِي قُلُوبِكُمْ؟³⁹ أَنْظُرُوا يَدَيَّ وَرِجْلَيَّ، إِنِّي أَنَا هُوَ، جُسُونِي وَأَنْظُرُوا، فَإِنَّ الرُّوحَ لَيْسَ لَهُ لَحْمٌ وَعِظَامٌ كَمَا تَرَوْنَ لِي.⁴⁰ وَجِئْتُ قَالًا هَذَا أَرَاهُمْ يَدِيهِ وَرِجْلَيْهِ.⁴¹ وَبَيْنَمَا هُمْ عَيْرٌ مُضْطَرِبِينَ مِنَ الْفَرَحِ وَمُنْعَجِبُونَ، قَالَ لَهُمْ: أَعِنْدُكُمْ هَهُنَا طَعَامٌ؟⁴² فَتَنَاوَلُوهُ جُزْءًا مِنْ سَمَكٍ مَسْهُوٍ وَشَيْئًا مِنْ شَهْدٍ عَسَلٍ.⁴³ فَأَخَذَ وَأَكَلَ فُدَّاهُمْ.⁴⁴ وَقَالَ لَهُمْ: هَذَا هُوَ الْكَلَامُ الَّذِي كَلَّمْتُكُمْ بِهِ وَأَنَا بَعْدُ مَعَكُمْ، أَنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَتِمَّ جَمِيعُ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ عَنِّي فِي تَامُوسَ مُوسَى وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَرَامِيرِ.⁴⁵ جِئْتِيذُ فَتَحْ ذِهْنَهُمْ لِيَفْهَمُوا الْكُتُبَ،⁴⁶ وَقَالَ لَهُمْ: هَكَذَا هُوَ مَكْتُوبٌ وَهَكَذَا كَانَ يَنْبَغِي أَنْ الْمَسِيحَ يَتَأَلَّمُ وَيَقُومَ مِنَ الْأَمْوَاتِ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ، وَأَنْ يُكْرَّرَ بِاسْمِهِ بِالتَّوْبَةِ وَمَغْفِرَةِ الْخَطَايَا لِجَمِيعِ الْأُمَمِ مُبْتَدَأً مِنْ أُورُشَلِيمَ.⁴⁸ وَأَنْتُمْ شُهُودٌ لِدَلِّكَ.⁴⁹ وَهَآ أَنَا أَرْسِلُ إِلَيْكُمْ مَوْعِدَ أَبِي، فَاقْبِمْوَا فِي مَدِينَةِ أُورُشَلِيمَ إِلَى أَنْ تُلْتَسُوا قُوَّةً مِنَ الْأَعَالِي.⁵⁰ وَأَخْرَجَهُمْ خَارِجًا إِلَى بَيْتِ عَنِّيَا، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَتَبَارَكَهُمْ.⁵¹ وَفِيمَا هُوَ يُبَارِكُهُمْ انْفَرَدَ عَنْهُمْ وَأَصْعَدَ إِلَى السَّمَاءِ.⁵² فَسَجَدُوا لَهُ وَرَجَعُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ يَفْرَحُ عَظِيمًا،⁵³ وَكَانُوا كُلَّ جِنٍّ فِي الْهَيْكَلِ يُسَبِّحُونَ وَيُبَارِكُونَ اللَّهَ، آمِينَ.

ساختند.²¹ اما ما امیدوار بودیم که همین است آنکه می‌باید اسرائیل را نجات دهد. و علاوه بر این همه، امروز از وقوع این امور روز سوم است،²² و بعضی از زنان ما هم ما را به حیرت انداختند که بامدادان نزد قبر رفتند،²³ و جسد او را نیافته، آمدند و گفتند که فرشتگان را در رؤیا دیدیم که گفتند او زنده شده است.²⁴ و جمعی از رفقای ما به سر قبر رفته، آن چنانکه زنان گفته بودند یافتند، لیکن او را ندیدند.²⁵ به ایشان گفت: ای بی‌فهمان و سست‌دلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته‌اند.²⁶ آیا نمی‌بایست که مسیح این زحمات را ببند تا به جلال خود برسد؟²⁷ پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده، اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود.

²⁸ و چون به آن دهی که عازم آن بودند رسیدند، او قصد نمود که دورتر رود.²⁹ و ایشان الحاح کرده، گفتند که با ما باش. چونکه شب نزدیک است و روز به آخر رسیده. پس داخل گشته، با ایشان توقف نمود.³⁰ و چون با ایشان نشست، نان را گرفته، برکت داد و پاره کرده، به ایشان داد.³¹ که ناگاه چشمانشان باز شده، او را شناختند. و در ساعت از ایشان غایب شد.³² پس با یکدیگر گفتند: آیا دل در درون ما نمی‌سوخت، وقتی که در راه با ما تکلم می‌نمود و کتب را بجهت ما تفسیر می‌کرد؟³³ و در آن ساعت برخاسته، به اورشلیم مراجعت کردند و آن یازده را یافتند که با رفقای خود جمع شده³⁴ می‌گفتند: خداوند در حقیقت برخاسته و به شمعون ظاهر شده است.³⁵ و آن دو نفر نیز از سرگذشت راه و کیفیت شناختن او هنگام پاره کردن نان خبر دادند.

ظهور عیسی و توصیه او

³⁶ و ایشان در این گفتگو می‌بودند که ناگاه عیسی خود در میان ایشان ایستاده، به ایشان گفت: سلام بر شما باد.³⁷ اما ایشان لرزان و ترسان شده، گمان بردند که روحی می‌بینند.³⁸ به ایشان گفت: چرا مضطرب شدید و برای چه در دلهای شما شبهات روی می‌دهد؟³⁹ دستها و پایهایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر من گذارده ببینید، زیرا که روح گوشت و استخوان ندارد، چنانکه می‌نگرید که در من است.⁴⁰ این را گفت و دستها و پایهای خود را بدیشان

نشان داد.⁴¹ و چون ایشان هنوز از خوشی تصدیق نکرده، در عجب مانده بودند، به ایشان گفت: چیز خوراکی در اینجا دارید؟⁴² پس قدری از ماهی بریان و از شانه غسل به وی دادند.⁴³ پس آن را گرفته پیش ایشان بخورد.

و به ایشان گفت: همین است سخنانی که وقتی با شما بودم گفتم ضروری است که آنچه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره منمکتوب است به انجام رسد.⁴⁵ و در آن وقت ذهن ایشان را روشن کرد تا کتب را بفهمند.⁴⁶ و به ایشان گفت: بر همین منوال مکتوب است و بدینطور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سوم از مردگان برخیزد.⁴⁷ و از اورشلیم شروع کرده، موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همه امت‌ها به نام او کرده شود.⁴⁸ و شما شاهد بر این امور هستید.⁴⁹ و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید.

صعود عیسی

پس ایشان را بیرون از شهر تا بیت عتیا برد و دستهای خود را بلند کرده، ایشان را برکت داد.⁵¹ و چنین شد که در حین برکت دادن ایشان، از ایشان جدا گشته، به سوی آسمان بالا برده شد.⁵² پس او را پرستش کرده، با خوشی عظیم به سوی اورشلیم برگشتند.⁵³ و پیوسته در معبدمانده، خدا را حمد و سپاس می‌گفتند. آمین.